

DOI: 10.30495/jss.2022.1932818.1341

**Research Paper**

**Investigating the effect of sociological factors on violent crime  
(Case study of Kerman city)**

**Shahrzad Barkhordar**

*Ph. D. Student in sociology, social science department, science and research department, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

**Mehrdad Navabakhsh**

*Professor of Sociology Department, Islamic Azad University, Science and Research branch- Tehran, Iran (corresponding author). E- mail: navabakhsh@srbiau.ac.ir*

**Alireza Kaldi**

*Professor of Sociology Department, Islamic Azad University, Science and Research branch- Tehran, Iran.*

Violence is a social nature. The purpose of this study is to investigate the social and economic factors affecting violent crimes among convicts in Kerman prisons. In this research, the survey implementation method is practical according to the purpose and topic and it is cross-sectional in terms of time and is included in field studies. The statistical population of the study was 1256 people, including people who committed crimes (hostage-taking, murder and armed robbery, shooting) in Kerman province in 1398 and the first 6 months of 1399. The sampling method was random sampling method, and 400 criminals were examined. Validity of questions related to variables confirmed by content validity and by collecting the opinions of experienced professors, experts and relevant experts (visual validation technique) and to assess the reliability, Cronbach's alpha was used that the alpha of the questionnaire was calculated 0/832. Data were analyzed by descriptive statistics and Pearson-regression correlation tests using SPSS software. The results show that, there is a direct (positive) relationship between violent crimes and the variables of poverty (with the amount of 0/118), unemployment (0/290), inadequacy of living (0/311), academic failure (0/328), social capital (0/244), Peers (0/137), Violence (0/333), Drug use (0/732). There is no significant relationship between religious affiliation and violent crimes (0/087) and finally, there is an inverse and significant relationship between social control and violent crime (-0/109). It can be concluded that, criminal behavior is often learned within the first groups, especially the peer group, because the number of their deviant contacts is more than their non-deviant contacts. To prevent crime, it is suggested that, at the family, school and community level, young people reduce their relationships with delinquent peers, increase social support, and teach people how to deal with pressure alone.

***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Violent Crimes, Social Capital, Religious Identity, Poverty, Kerman Province.*

## بررسی تأثیر عوامل مؤثر جامعه‌شناختی بر جرایم خشن (مورد مطالعه شهر کرمان)

شهرزاد برخوردار<sup>۱</sup>

مهرداد نوابخش<sup>۲</sup>

علیرضا کلدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۶/۱۷

### چکیده

زمینه و هدف: خشونت ماهیتی اجتماعی است. هدف از تدوین این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر جرایم خشن در بین مجرمان محکوم شده در زندان‌های کرمان است. روش: در این پژوهش روش تحقق پیمایی، با توجه به هدف و موضوع پژوهش، کاربردی بوده و از لحاظ زمان مقطعی است و در زمره مطالعات میدانی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش ۱۲۵۶ نفر که شامل افرادی که ارتکاب به جرم (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) در استان کرمان در سال‌های ۱۳۹۸ و ۶ ماه اول ۱۳۹۹ را داشته‌اند بوده است. روش نمونه‌گیری اتخاذ شده در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است، ۴۰۰ نفر از افراد مجرم مورد بررسی قرار گرفتند. روایی (اعتبار) سؤال‌های مربوط به متغیرها از روش تعیین اعتبار محتوایی و با گردآوری نظرات اساتید مجرب، کارشناسان و متخصصان مربوطه (تکنیک اعتبار صوری) و برای بررسی پایایی، از آلفای کرونباخ استفاده شده که آلفای پرسشنامه ۰/۸۳۲ محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها توسط آمار توصیفی و آزمون-های آماری ضریب همبستگی پیرسون- رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد بین متغیرهای فقر با مقدار (۰/۱۱۸)، بیکاری (۰/۲۹۰)، نامناسب بودن محل زندگی (۰/۳۱۱)، افت تحصیلی (۰/۳۲۸)، سرمایه اجتماعی (۰/۲۴۴)، گروه همسالان (۰/۱۳۷)، خشونت (۰/۳۳۳)، مصرف مواد مخدر (۰/۷۳۲) رابطه به صورت مستقیم (مثبت) با جرایم خشن وجود

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش گروه‌های علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات- تهران، ایران (نویسنده مسئول).

E- mail: navabakhsh@srbiau.ac.ir

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات- تهران، ایران.

دارد. بین متغیر پای‌بندی مذهبی و جرایم خشن رابطه معنی‌داری وجود ندارد (۰/۰۸۷)، در نهایت بین کنترل اجتماعی و جرایم خشن رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد (۰/۱۰۹-). نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت رفتار تبه‌کارانه اکثراً درون گروه‌های نخستین، به ویژه گروه همسالان، فرا گرفته می‌شود زیرا تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیر انحرافی‌شان است. برای جلوگیری از ارتکاب جرم پیشنهاد می‌شود که در سطح خانواده، مدرسه و جامعه، کاهش روابط جوانان با همسالان بزه‌کار، افزایش حمایت اجتماعی، آموزش افراد که چگونه به تنهایی با فشار روبرو شوند صورت گیرد.

واژگان کلیدی: جرایم خشن، سرمایه اجتماعی، هویت مذهبی، فقر، استان کرمان.

#### مقدمه

جرم و مجازات به عنوان مفاهیمی محسوب می‌شوند که هموارهای مختلف علمی توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف علمی، دانشگاهی نیز سیاست‌مداران و به طور کلی حکومت‌ها را به خود جلب کرده است (۱۲: ۳۳۱). در این میان جرایم خشن به سه دسته شامل خشونت علیه افراد عادی، خشونت علیه اموال و دارایی دیگران و خشونت علیه نظم عمومی تقسیم می‌شوند (۲۵: ۱۰۷). منظور از خشونت در این تحقیق رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به دیگری از کسی سر می‌زند و دامنه آن از تحقیر، توهین، تجاوز و ضرب و جرح تا تخریب اموال و دارایی‌های طرف مقابل و قتل او گسترده است (۲۳). عوامل تأثیرگذار در تمایل افراد به خشونت و جرم از نظر پژوهشگران و محققین کشور در تحقیقات خود نحوه برخورد والدین با نیازهای فرزندان، وجود الگوهای نامناسب، تأثیر رفتار پرخاشگرانه، تشویق رفتار پرخاشگرانه، تنبیه والدین و مریبان را عامل خشونت دانسته‌اند (۲: ۱۹۸). میزان دانش و آگاهی افراد در پیروی آن‌ها از هنجارها تأثیر دارد. مجرمان چنین آگاهی‌ای ندارند و از جانب قدرت‌مندان هم برخورد قاطعی با آنان نشده است. فقدان دانش و آگاهی همانند وجود رابطه تسلط و فرمانبرداری، پدیده‌ای جهانی است و تجربیات افراد بی‌شماری حاکی از این واقعیت است. نظریه ترک درباره جرم و جنایت مربوط به داشتن مهارت، ارزش‌ها و هدف‌های سازمان‌ها و گروه‌ها و افراد صاحب قدرت می‌شود؛ بنابراین، اقتدار به معنای تسلط بر افراد بدون دانش و آگاهی است که در مواردی هنجارشکنی می‌کنند یا در برابر قدرت، مقاومت نشان می‌دهند. به طور خلاصه، ترک، شرایطی را مدنظر دارد که تفاوت‌های گروهی تبدیل به تضاد می‌شوند. هم‌چنین، بدین نکته توجه دارد که در نهایت قوانین چگونه به اجرا می‌آیند (۲: ۵۸). از نظر آماری جرم و اشکال آن در تمام کشورها کاملاً روشن است. دفتر سرشماری ایالت متحده آمریکا طی یک نمونه‌گیری اتفاقی از ۶۰ هزار خانوار از سال ۱۹۷۳ به بعد با افرادی مصاحبه کرده تا ببیند چند نفر قربانی جرایم خاصی در طی شش ماه قبل از آن بوده‌اند. این تحقیق که بررسی ملی جرم نامیده شده، تأیید کرده است که بسیاری از جرایم مهم گزارش نمی‌شود. بیشتر گزارش‌ها در مورد

سرقت‌های تجاری (۸۶ درصد) و کمترین گزارش‌ها در مورد سرقت‌های خانگی کمتر از ۵۰ دلار (۱۵ درصد) بوده است. تا هنگام بررسی‌های جرم در بریتانیا در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ هیچ‌گونه برآورد رسمی از جرایم ثبت نشده در بریتانیا وجود نداشت. الگوهای جرایم گزارش نشده در بریتانیا، آن‌گونه که توسط گزارش بررسی‌های جرم در بریتانیا آشکار گردیده، آینه تمام‌نمایی از یافته‌های آمریکایی است (۴). برای مثال، مطالعات نشان داده‌اند که افزایش سریع در میزان جرم و جنایت که رسماً در بعضی شهرهای بزرگ ایالات متحده آمریکا، در دهه شصت نشان داده شده احتمالاً تا حد زیادی نتیجه تغییر در شیوه گزارش جرایم بوده است. خود شهروندان نیز ممکن است با تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادت‌های گزارش کردن خود را تغییر دهند. میان سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا، تعداد جرایم مهمی که رسماً گزارش شده بود که ۴۲ درصد افزایش یافت. اگر چه این افزایش موجب وحشت عمومی گردید، روند واقعی به احتمال زیاد خیلی کمتر مشخص بود. جرایم بزرگ بنا بر آمار بررسی ملی جرم، در طول این دوره زیاد تغییر نکرد و تنها افزایش اندک، اگر چه ظاهراً پیوسته را نشان داد (۲۱). قتل و آدمکشی ناشی از بی‌مبالاتی بین سال‌های ۱۹۷۷ به ۱۹۸۱ به میزان ۱۱ درصد افزایش یافت. این امر احتمالاً نشان دهنده یک افزایش واقعی است، هر چند که نه لزوماً مطابق این رقم دقیق نتایج مشابهی در مورد بریتانیا به دست آمده است. در بریتانیا دولت بر اساس نمونه‌گیری خانواده‌ها در سراسر کشور به طور منظم به بررسی عمومی خانوار می‌پردازد. بررسی در سال‌های ۱۹۷۲، ۱۹۷۳، ۱۹۷۹، ۱۹۸۰ شامل پرسشی درباره سرقت از منازل بود. این خانواده‌ها خواسته شده بود هرگونه سرقتی را که در طول ۱۲ ماه پیش از مصاحبه رخ داده است ذکر کنند. بررسی سال ۱۹۸۰ به این نتیجه رسید که تقریباً هیچ‌گونه تغییری در وقوع سرقت‌ها بین سال‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۸۰ وجود نداشته است، با وجود این در طول این دوره آمار رسمی جرم در بریتانیا بر اساس جرایمی گزارش شده به پلیس، افزایشی به میزان ۵۰ درصد را نشان می‌داد (۴: ۲۲-۵). در ایران نیز جهش ناگهانی خشونت در شهرهای بزرگ در آمار و ارقام خودنمایی می‌کند. در فاصله دهه‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ در ایران تعداد زندانیان جرم و جنایت سه برابر شده است. اگر پرخاشگری را به طور مساوی در استان‌های ایران تقسیم کنیم، در سال ۱۳۸۰ سالیانه در هر استان ۱۶ فقره قتل، ۱۵ فقره تجاوز به عنف و ۱۳ فقره آتش‌سوزی عمدی وجود داشته است (۲۶). آمار جرایم خشن در استان کرمان در فاصله سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ آمار جرایم خشن نشان می‌دهد که این استان سومین رتبه را در ارتکاب جرایم خشن دارا بوده است و همچنین، بر اساس آخرین آمار سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۳، در حالی که آمار کل ۲/۲ درصدی همراه بوده است اما بیشترین افزایش نزاع در کشور مربوط به استان کرمان ۴/۵ درصد رشد بوده است و نیز رئیس کل دادگستری استان در سال ۱۳۹۴ گفت: ضرب و جرح رتبه دوم جرایم در استان کرمان و همچنین در سال ۱۳۹۵، کرمان، رتبه اول آدم‌ربایی را داشته است (۳: ۲۲۸). از این رو تحقیق و پژوهش برای پیشگیری و درمان این معضل، ضرورتی اجتناب‌پذیر است. لذا با توجه به این که از یک طرف وقوع جرائم خشن در جامعه رشد داشته و به عنوان

یک آسیب اجتماعی در جامعه جلو نظر می‌کند شناخت عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب چنین جرایمی در بستر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی حاکم بر جامعه ضروری و مهم است.

### پیشینه و مبانی نظری پژوهش

#### پیشینه پژوهش (تحقیقات داخلی)

عبدالرحمانی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود با عنوان بررسی راهبردهای اجتماعی-ارتباطی پلیس برای مقابله با جرایم خشن پرداخته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که میزان برخی جرایم خشن از نزاع‌های فردی گرفته تا سرقت‌های به عنف و یا زورگیری در حد تقریباً بالایی است؛ به طور کلی، جامعه در خصوص پیشگیری و مقابله با جرایم خشن با مشکلات بسیاری مواجه است. ما نیازمند استفاده از تدابیر نظارتی مانند ثبت مجرمان خطرناک و خشن، آگاه‌سازی عمومی، استفاده از فناوری واپایش و نظارت الکترونیک هستیم. علاوه بر آن، فرهنگ گفت‌وگو و کنترل (واپایش) خشم باید به شکلی مؤثر تقویت شود. در کنار آن، بهره‌برداری از رویکردهای ترمیمی و میانجی‌گرانه نسبت به برخی از جرایم خشن (مانند نزاع‌های فردی و جمعی) برای جلوگیری از تشدید و تکرار این جرایم ضروری است. هم‌چنین علیزاده و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرایم خشن و خاص در بین مجرمین در زندان شهرستان سیرجان پرداخته است، نتایج حاکی از آن است که بیشتر مجرمین مرد، دارای تحصیلات پایین، بیکار یا دارای مشاغل با درآمد کم می‌باشند و در گروه سنی کمتر از ۳۵ سال مرتکب چنین جرایمی شده‌اند و عواملی چون اعتیاد، سابقه زندانی شدن، زندگی در مناطق جرم‌خیز، وضعیت خانوادگی زندانیان با جرایم خشن رابطه معنادار داشت. عواملی چون سن، جنسیت، تحصیلات، درآمد، شغل، داشتن اعتیاد، داشتن سابقه زندان و داشتن خانواده‌ای با تحصیلات کم والدین و مشاغل کم درآمد و والدین معتاد یا والدین مجرم با سابقه زندان در خانواده، بر مجرم بودن فرد تأثیرگذار بوده‌اند.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان بررسی تحلیلی کیفی از جرایم خشن زنان: زمینه‌ها و انگیزه‌ها پرداخته است که نتایج آن حاکی از آن است خشونت زنان در ارتباط با تجربیات زندگی آن‌ها توضیح داده می‌شود. مطالعه حاضر که از نوع مطالعات کیفی با انجام دادن مصاحبه‌های عمیق، به این مطلب دست یافت که خشونت زنان عمدتاً مواجهه‌ای است و تفسیر جرایم خشن زنان بدون توجه به نابرابری‌های ساختاری، نابرابری‌های جنسیتی، انزوا و بی‌قدرتی آن‌ها ممکن نیست. روایت زندگی زنان مصاحبه شده نشان می‌دهد که خشونت زنان انعکاس دهنده سبک زندگی آن‌هاست که با محرومیت‌ها و تبعیض‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی در هم تنیده است و به عبارت دیگر، رفتارهای خشن زنان نوعی مقابله با شرایطی است که دائماً آن‌ها را در موضع قربانی شدن قرار داده است. پیشینه و نحوه زندگی زنان مطالعه شده نشان می‌دهد که بسیاری از آن‌ها در دوران کودکی خشونت‌های فیزیکی، عاطفی، روانی و جنسی را تجربه کرده‌اند یا با ازدواج‌های اجباری و زودرس دائماً تحت یک نوع

رابطه اجباری و سلطه‌جویانه در آمده‌اند که در واقع منعکس‌کننده تعاریف فرهنگی از نقش مردان است. سیاوشی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان بررسی جرم‌شناختی سرقت‌های خشن که در آن نتایج حاصله از مصاحبه ساختار یافته با ۱۸۰ نفر از سارقان خشن تهران با هدف بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سبب‌شناسی سرقت‌های خشن انجام یافته بود در بخش نتیجه‌گیری آورده است: اعتقادات شخصی و باورهای اخلاقی، جلب توجه، اقوام و آشنایان، تلویزیون و سینما، وضعیت مالی احساس نسبت به سرمایه‌دارها و اعتیاد در ارتکاب سرقت‌های خشن مؤثر می‌باشند ولی میزان مصرف موادمخدر در سارقان خشن کمتر از سایر دسته‌های سارقان است. فیروزی (۱۳۹۳)، در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل جرم-شناختی سرقت مسلحانه شهرستان اهواز در بخش نتیجه‌گیری عنوان نمودند موقعیت طبقه‌ای شخص و امکاناتی که در اختیار دارد در چگونگی آلوده شدن وی به جرم مؤثر است. بدیهی است بنابراین هر گونه اقدام در مقیاس کلان منجر به توزیع عادلانه‌تر امکانات و فرصت‌های اجتماعی بین گروه‌های مختلف صورت‌پذیر احتمال دارد که در تخفیف شدت جرم و پایین آوردن آن مؤثر واقع شود. وضع بد اقتصادی و فقر فرهنگی که معمولاً با جمعیت زیاد و گاه با روابط نامناسب خانوادگی و احتمالاً ارزش‌های غیر اخلاقی و معیارهای ضد اجتماعی همراه است بیشتر در این زمینه نقش دارد. منازل نامناسب و غیر بهداشتی و خانواده‌های بی‌بضاعت و فقیر با کودکان بی‌شمار لانه‌ای برای پرورش مجرم است. امیری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با عنوان جرائم به عنف در کلانشهر اهواز و ارائه راهکارهای پیشگیرانه که با هدف پهنه‌بندی جغرافیای جرم سرقت به عنف در سطح حوزه استحفاظی کلانتری ۲۰ اهواز اجرا گردید، سرقت به عنف را مطرح و در بخش نتیجه‌گیری و توصیف ویژگی سارقان به عنف می‌نویسند: سارقان به عنف عمدتاً از ورزیدگی و فیزیک جسمانی مناسب برخوردارند. سوژه‌های خود را اتفاقی انتخاب کرده و طرح‌ریزی قبلی برای سرقت ندارند، به صورت گروهی چند نفره اقدام به ارتکاب جرم می‌کنند عمدتاً کم سواد بوده و از فرهنگ اجتماعی و خانوادگی نازلی برخوردار هستند و هدف آن‌ها مالی و مادی است. یزدان‌پناه (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان عوامل مرتبط با خشونت و سابقه آن در بین جوانان ۱۸-۳۵ سال زندان کرمان مورد بررسی قرار داده است. میانگین متغیرهای نتایج این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای جنس، وضعیت تأهل، معاشرت با دوستان بزهکار، عضویت در گروه‌های نزاع، تایید پرخاشگری، توجیه عمل مجرمانه، تصور از خوردن برچسب منحرف، علاقه به فیلم‌های خشن، سابقه اخراج از مدرسه و مصرف الکل، مواد مخدر و قرص اکس با سابقه خشونت جوانان ۱۸-۳۵ سال مورد بررسی ارتباط معنادار دارد. جرایم خشونت‌آمیزی چون قتل و ضرب و جرح در مردان بیشتر از زنان رخ می‌دهد. بیشتر جوانانی که سابقه خشونت دارند مجردند، عضو گروه‌های نزاع هستند، سابقه اخراج از مدرسه دارند، پرخاشگری را برای حل مسائل‌شان لازم می‌دانند، جرم خود را توجیه می‌کنند، به مشاهده فیلم‌های خشن علاقه دارند، و میزان مصرف الکل، قرص اکس و موادمخدر در آن‌ها بیش‌تر است. علمی (۱۳۸۷)، در پژوهش خود با عنوان بررسی تعیین میزان شیوع خشونت و عوامل اجتماعی مؤثر

بر آن پرداخته است. یافته‌های این تحقیق نشان داد که متغیرهای عدم دلبستگی به والدین، عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، بدرفتاری والدین با فرزندان، تضاد والدین با هم، داشتن دوستان بزهکار، عدم پایبندی به دستورات اخلاقی، تنبیه در مدرسه، سخت‌گیری والدین با خشونت دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنی‌داری داشتند. مقدار تبیین به دست آمده ۵۱٪ می‌باشد.

ایشاک و همکاران<sup>(۲۰۱۲)</sup>، در پژوهش خود با عنوان "خشونت شرافتی در میان جوامع و طوایف کرد" نتیجه می‌گیرد خشونت نسبت به زنان، ریشه در ساختار طایفه‌ای و فرآیندهای تاریخی آن دارد. البته این تحقیق، به مزایا و نقش ارزش‌والایی چون شرف، آبرو و اعتبار که در ساختار طایفه‌ای پورنگ هستند نیز اشاره می‌کند، اما دفاع متعصبانه از این ارزش‌ها را تا جایی که همراه با صدمه و آسیب به زنان است جایز نمی‌داند. کا. اس. موهیندرا<sup>۲</sup> و همکاران<sup>(۲۰۱۱)</sup>، در پژوهش خود با عنوان "میزان گرایش جوانان طوایف محروم هند به الکل و پیامدهای اجتماعی آن" دریافتند در طوایف حاشیه‌نشین و محروم هند به دلیل سلطه فرآیندهای نامناسب تاریخی - اجتماعی، زمینه‌های گرایش به الکل بسیار بالاست. به ویژه زیاده‌روی در مصرف در بین نسل جوان مقدمات ارتکاب جرم و ناامنی اجتماعی را فراهم نموده است. ریکمن و وایت<sup>(۲۰۰۷)</sup>، در پژوهش خود با عنوان مدل تخصیص زمان<sup>۴</sup> اثر بیکاری را در میزان ارتکاب جرم مؤثر دانستند و اظهار داشتند با افزایش بیکاری زمان اختصاص یافته به فعالیت‌های غیرقانونی مانند اعمال مجرمانه افزایش می‌یابد. براش<sup>(۲۰۰۷)</sup>، در پژوهش خود با عنوان «نابرابری درآمدی و جرم»، رابطه آن‌ها را در دو تحلیل سری زمانی و مقطع زمانی با استفاده از داده‌های اقتصاد آمریکا مورد بررسی قرار داد. تخمین مدل جرم به صورت مقطعی در سال ۲۰۰۰ در این تحقیق، رابطه مستقیم میان نابرابری درآمدی با نرخ جرم را تأیید کرد. لافون<sup>۶</sup> و میشو<sup>(۱۹۹۷)</sup>، نیز تحقیقاتی در شهر لیل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده‌اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاقی زیان‌آورند، ساکن بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بزهکاری جوانان در ساختمان‌های مخروبه و محلات قدیم، از حد متوسط بزهکاری در این شهر زیادتر بوده است. در واقع ۱۸ درصد بزهکارانی که جرائم گوناگون مرتکب شده‌اند، اغلب در محله‌های مخروب و ناسالم ساکن بوده و ۳۵ درصد آن‌ها کسانی بوده‌اند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بوده‌اند. این پژوهشگران در پایان، رابطه بین محیط سکونت و بزهکاری را تأیید نمودند.

<sup>1</sup>. AishaK, Nazand, Gill Hague

<sup>2</sup>. Mohindra

<sup>3</sup>. Rickman and With

<sup>4</sup>. Time Allocation

<sup>5</sup>. Brush

<sup>6</sup>. Lafon

<sup>7</sup>. Michoux

### مبانی نظری پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریات مختلفی به عنوان مبانی نظری استفاده شده است؛ اما از این تعداد تنها تعدادی به عنوان مبانی استخراج فرضیات مورد استفاده قرار گرفته شده است که چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهند.

#### نظریه سرشتی شلدن

شلدن معتقد است که هر یک از افراد، خلق و خوی خاص خود را دارند؛ اولی آرام، عاشق راحتی، احساساتی، برون‌گرا، شوخ طبع و شاد است؛ دومی، خشونت‌گرا و فعال؛ و سومی درون‌گرا و مهار کننده خواست‌های خود است. او با بررسی مقایسه‌ای مجرمان و غیر مجرمان مدعی شد که مزومورف‌ها کاملاً مستعد کجروی‌اند. از جمله محققانی که در این زمینه به بررسی تجربی پرداختند، آقا و خانم گلوک<sup>۱</sup> هستند که از مقایسه ۵۰۰ جوان بزهکار با ۵۰۰ جوان غیر بزهکار بدین نتیجه رسیدند که در میان بزهکاران جوان شمار مزومورف‌ها به شکل معناداری بیشتر از تعداد آنان در میان جوانان غیر بزهکار است (۶۰/۱ درصد از بزهکاران در برابر ۳۰/۷ درصد از غیر بزهکاران). کورتز محقق دیگری است که در کتاب بزه در نوجوانی و بزرگسالی به کارهای گذشته ادامه می‌دهد و نتایج تحقیقات او حاکی از وجود ارتباط معنادار بین بزه، مزومورف بودن و خصلت‌های شخصیتی (مثل نیاز به پیشرفت، خطرپذیری و برون‌گرایی) است. او می‌گوید: بزهکاران و احتمالاً مجرمان از بزه‌ناکردگان و نامجرمان متفاوت‌اند، از این جهت که به لحاظ جسمانی سبب‌گونه و به لحاظ خلق و خو پرنرزی و احتمالاً پرخاشگرترند و به لحاظ انگیزشی نیاز بیشتری به پیشرفت و قدرت نشان می‌دهند (۳۲: ۷۶).

#### نظریه عمومی فشار<sup>۲</sup>

این نظریه از یک چهارچوب نظری در جرم‌شناسی سرچشمه گرفته که در سال‌های اخیر مورد بازنگری مفهومی قرار گرفته است (۹: ۴۴۵). «نظریه عمومی فشار (GST) را رابرت آگنیو<sup>۳</sup> در ۱۹۹۲ معرفی کرد. این نظریه بر تأثیرات فردی فشار و این که چگونه یک فشار شخص را به سمت بزهکاری سوق می‌دهد، تمرکز می‌کند. در مقایسه با نظریه دورکیم و مرتون، این دیدگاه بیشتر به سطح خرد توجه می‌کند و بیان می‌دارد که این ویژگی‌های شخصیتی افراد است که به واکنش آنان در برابر فشار منجر می‌شود و بعضی از این ویژگی‌ها فرد را به سوی کجروی و جرم، به منزله راهی برای تسکین این فشارها، سوق می‌دهد» (۱۷: ۲). نظریه عمومی فشار رابرت آگنیو تفاوت‌های فردی را احیا می‌کند و تأثیرات سطح فردی فشار را مشخص می‌نماید. در حالی که مرتون تلاش می‌کند تأثیر تفاوت‌های طبقه

<sup>۱</sup>. Glueck

<sup>۲</sup>. General Strain Theory

<sup>۳</sup>. Robert Agnew



اجتماعی را بر میزان جرم توضیح دهد، آگنیو تلاش می‌کند تا توضیح دهد چرا افرادی که احساس فشار و تنش می‌کنند، مستعد ارتکاب جرایم‌اند. آگنیو به جای این که دیدگاه‌اش را به جرم طبقه (اجتماعی) پایین محدود کند، سعی دارد تبیین عمومی‌تری از فعالیت مجرمانه در بین همه عناصر جامعه معرفی کند (۱: ۴۹-۴۷). در حالی که مفاهیم اولیه نظریه فشار، منبع فشار را به شکست در رسیدن به هدف‌های متداول محدود می‌کرد، (GST) دامنه شرایط و اوضاعی که تولید فشار می‌کند را گسترش می‌دهد. برای مثال، طبق (GST) فشار می‌تواند ناشی از شرایطی باشد که افراد را از دستیابی به هدف‌های فوق‌العاده مهم باز می‌دارد، یا شرایطی که افراد چیزی را از دست می‌دهند که برای‌شان باارزش است. شکست در دست‌یابی به هدف‌های فوق‌العاده مهم، به منزله مفهوم اصلی فشار تلقی می‌شود؛ اما فشار هم‌چنین نتیجه شرایطی است که افراد آن را شرایط غیر منصفانه یا غیر منطقی تلقی می‌کنند (به خصوص هنگامی که با تحقق هدف‌های متداول مرتبط است). بر طبق (GST) تجربه فشار ممکن است به شرایطی منفی شامل عصبانیت، افسردگی و ناکامی منجر شود (۹: ۴۴۶). این دیدگاه بر احساسات منفی به منزله واکنش به محرک‌های زیان‌آور گوناگون (به طور مثال روابط منفی با دیگران، شکست در دسترسی به هدف‌های دلخواه و از دست دادن ارتباط ارزش‌مند) تمرکز می‌کند. به نظر آگنیو سه منبع عمده فشار وجود دارد:

۱. فشاری که ناشی از ناموفقیت در دستیابی به هدف‌های باارزش اجتماعی است. این شکل از فشار سه جنبه را در بر می‌گیرد:

- الف) فشار به دلیل فاصله بین آرزوها و توقعات (یعنی آرزوهای فرد فراتر از توقعات او است).  
 ب) فشار به دلیل فاصله بین انتظارات و دستاوردهای واقعی (یعنی این که دستاوردهای واقعی فرد کمتر از انتظار او است).  
 ج) فشار به دلیل فاصله بین نتایج عادلانه و نتایج واقعی (۳۴: ۱۶۹)؛ یعنی پیامد واقعی حاصل که فرد با آن مواجه می‌شود، آن پیامد منصفانه یا عادلانه‌ای که خود را سزاوار آن می‌دانست، نباشد.  
 ۲. فشار ناشی از وقایعی که طی آن، چیزی واجد ارزش اجتماعی از دست برود، مانند از دست دادن دوستان نزدیک، مرگ اقوام، تعلیق از مدرسه، یا اخراج از شغل.

۳. فشار به دلیل تجربه محرک‌های منفی (شامل تجربیاتی مثل سوء استفاده جنسی از کودکان، قربانی شدن در یک واقعه جنایی، تنبیه‌های لفظی یا جسمانی است). آگنیو معتقد است که این فشارها تمایل به کجرفتاری را در فرد ایجاد می‌کند. واقع شدن یا نشدن جرم یا جنایت، بستگی به موقعیت فرد و شرایط دارد و این که فرد بتواند با این وقایع نامطلوب بسازد، مبارزه کند، یا با اشکال گوناگون کجرفتاری خشم خود را نشان دهد. «نوع اصلی فشاری که در جرم رخ می‌دهد، فشاری است که از لحاظ اقتصادی به فرد وارد می‌آید، بنابراین، اکثر جرم‌ها و بزهکاری‌ها، تنش فشار را به شیوه‌ای تسکین می‌دهند که درآمدی را در داشته باشد» (۱۷: ۳۰).

### نظریه هنجارهای تماس<sup>۱</sup>

این مفهوم را تورستن سلین<sup>۲</sup> در تضاد فرهنگ و جرم در سال ۱۹۳۸ مطرح می‌کند. این مفهوم بیان می‌دارد که اطاعت افراد از هنجارهای طبقه پایین‌شان، آنان را به سوی تضاد با هنجارهای فرهنگ مسلط سوق می‌دهد. محتوا و مفاد قانون ممکن است تضادی بین قواعد قراردادی و قواعد طبقه متوسط و قواعد گروه‌های متمایز (مثل اقلیت‌های نژادی و قومی) که از جریان اصلی اجتماع جدا مانده‌اند، ایجاد کند. این گروه‌ها شبکه هنجارهای تماس و رفتاری‌شان را حفظ می‌کنند. این هنجارهای تماس در درون هر فرهنگ وجود دارد و مختص هیچ گروه، فرهنگ و ساختار سیاسی خاصی نیست. به نظر سلین، تضادهای فرهنگی اولیه، تضادهایی‌اند که بین دو فرهنگ متفاوت روی می‌دهد. این تضادها ممکن است در حوزه‌های گسترده‌تری بین دو فرهنگ واگرا در مورد استعمارگری یا مهاجرت، هنگامی که اعضای یک گروه فرهنگی به سرزمین دیگری نقل مکان می‌کنند روی دهد. تضادهای فرهنگی ثانویه هنگامی روی می‌دهد که یک فرهنگ متضاد در بر گیرنده چندین خرده فرهنگ متفاوت است که هر یک هنجارهای رفتاری خاص خود را دارند. در هیچ یک از این موارد، قانون نماینده هم‌رأیی اعضای جامعه نیست، بلکه هنجارهای رفتاری فرهنگ فرادست را منعکس می‌کند (۳۲: ۳۲۰).

### نظریه علایق کانونی<sup>۳</sup>

والتر میلر<sup>۴</sup> در مقاله «فرهنگ طبقه پایین به منزله مولد محیط دسته‌های بزهکاری» در سال ۱۹۵۸ نظام ارزشی منحصر به فردی را مشخص کرد که فرهنگ طبقه پایین را تعریف می‌کرد. سازگاری با این علایق کانونی بر زندگی طبقه پایین مسلط می‌شود. علایق کانونی لزوماً بیان‌کننده شورش علیه ارزش‌های طبقه متوسط نیست، بلکه این ارزش‌ها مشخصاً برای سازگاری با شرایط مناطق فقیرنشین شکل گرفته‌اند (۱۳: ۱۷-۱۴). میلر استدلال می‌کند که بر اثر پیروی از رفتارهای فرهنگی که در بر دارنده عناصر اصلی الگوی کلی فرهنگ طبقه پایین است، خود به خود از برخی هنجارهای قانونی انحراف به وجود می‌آید. این انحراف ممکن است به صورت ضرب و شتم، حقه‌بازی، زرنگی، فریبکاری و سایر اعمال خلاف باشد. میلر فعالیت‌های بزهکارانه دسته‌های نوجوانان بزهکار در طبقات فرودست را نیز کوشش برای دستیابی به هدف‌هایی قلمداد می‌کند که در فرهنگ این طبقات، ارزش‌مند محسوب می‌شوند. این تلاش در قالب رفتارهایی جامه عمل به خود می‌پوشاند که فرهنگ مذکور آن را مناسب‌ترین شیوه دسترسی بدان هدف‌ها معرفی می‌کند. دو عامل مهم در گرایش نوجوانان طبقه پایین اجتماعی به بزهکاری تأثیر به‌سزایی دارند: ۱. تمایل آنان به تعلق داشتن به گروه همسالان که لازمه آن سازگاری نزدیک با هنجارهای آن گروه است. ۲. موقعیت جوانانی که توانسته‌اند از طریق هنجارهای گروه همسالان به

<sup>۱</sup>. Conduct norms

<sup>۲</sup>. Thorsten Sellin

<sup>۳</sup>. Focal concerns

<sup>۴</sup>. Walter Miller

مقام و شهرت دست یابند. بدین ترتیب، مقام و موقعیت یک جوان در طبقه پایین کارگری، از دیدگاه دوستانش، ممکن است به شهرت وی در کله شقی و زرنگی بستگی داشته باشد. میلر بزهکاری را نوعی خودنمایی مبالغه‌آمیز می‌داند. او دلیل بقای این خرده فرهنگ را نیاز جامعه به نیروی کار نیمه ماهر می‌داند. کارگران نیمه ماهر باید به اجرای کارهای سخت، تکراری و خسته کننده تن دهند یا بیکاری را تحمل کنند. خرده فرهنگ طبقه پایین، راه‌هایی را در پیش می‌گیرد که بتواند با این وضعیت زندگی کند. روابط قانونی حاکم بر این فرهنگ، رضایت خاطر را در خارج از محیط کار جستجو می‌کند و می‌کوشد که نارضایتی و خستگی شغلی را از این طریق برطرف کند؛ بنابراین، با روی آوردن به اعمال هیجانی، خستگی کار را جبران می‌کند. میلر شش ویژگی سنتی و خرده فرهنگی برای این گروه معرفی می‌کند:

۱. زحمت (شر): در اجتماعات طبقه پایین، افراد بر اساس درگیری بالقوه یا واقعی‌شان در ایجاد زحمت (شر) ارزیابی می‌شوند؛ مانند تجربه کردن زحمت (شر)هایی مثل درگیری، مشروبخواری و رفتار نامشروع جنسی.
۲. خشونت: مردان طبقه پایین شهرت محلی‌شان را از راه خشونت فیزیکی و روانی به دست می‌آورند. آنان از احساساتی و عاطفی بودن امتناع می‌کنند و در عوض، به قدرت فیزیکی و توانایی درگیری بها می‌دهند.
۳. زرنگی: دانستن تکنیک‌های ضروری بقا نظیر قماربازی و دور زدن قانون الزامی است.
۴. هیجان: اعضای طبقه پایین در جستجوی سرگرمی و هیجان برای روح بخشیدن به زندگی کسل کننده‌اند.
۵. تقدیرگرایی: شهروندان طبقه پایین اعتقاد دارند که زندگی‌شان در دستان نیروهای فراطبیعی قوی‌ای است که سرنوشت‌شان را هدایت می‌کند.
۶. استقلال: مستقل بودن از چهره‌های اقتدار مثل پلیس، معلمان و والدین ضروری است (۱۳: ۵-۹).

### تئوری‌های فرآیند اجتماعی<sup>۱</sup> کجروی

تئوری‌های فرآیند اجتماعی معتقدند که جرم و بزهکاری تابعی از جامعه‌پذیری افراد است و برکنش‌های متقابل مردم با سازمان‌های گوناگون، نهادها و فرآیندهای اجتماعی تأکید می‌نمایند و مطرح می‌کنند که بیشتر مردم به وسیله روابط خانوادگی‌شان، پیوندهای گروهی همسالان، تجربه‌های آموزشی و کنش متقابل با شخصیت‌های دارای اقتدار از قبیل: معلمان، کارفرمایان و عاملان سیستم دادرسی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اگر این روابط مثبت و مشوق باشند، مردم می‌توانند از عهده مقررات جامعه بر آیند؛ اما اگر این روابط غیرکارکردی و مخرب باشند موفقیت‌های متداول احتمالاً غیر ممکن بوده و راه‌حل‌های

<sup>1</sup>. Social process theories

جرم‌زا یک جایگزین مناسب خواهند بود. تئوری‌های فرآیند اجتماعی در یک مفهوم اساسی مشترک هستند؛ تمام مردم بدون توجه به نژاد، طبقه یا جنسیت‌شان، بالقوه بزهکار یا مجرم می‌باشند. اگر چه اعضای طبقات پائین‌تر ممکن است بار فقر، تبعیض نژادی، فقر آموزش و آشفته‌گی زندگی خانوادگی را اضافه داشته باشند، ولی می‌توانند به وسیله روابط مثبت همسالان، حمایت خانواده و موفقیت‌های آموزشی تعدیل گردند. در مقابل، حتی بیشتر اعضای مرفه جامعه، اگر تجربیات زندگی‌شان تحمل‌ناپذیر یا مخرب باشد، ممکن است به رفتارهای ضد اجتماعی گرایش داشته باشند (۲۸: ۲۲۴).

بسیاری از جرم‌شناسان نسبت به این که مکان و موقعیت شخص در ساختار اجتماعی به تنهایی می‌تواند جرم و بزهکاری را تبیین نماید شک و تردید دارند. به خاطر این که مردمان زیادی در بیشتر مناطق شهری فرسایش یافته دنیا زندگی می‌کنند؛ ولی با این وجود از قوانین پیروی می‌نمایند، ارزش‌های متداول را حفظ می‌کنند و کمبودهای خود را با کار کردن، زندگی کم خرج و برنامه‌ریزی دقیق برای آینده جبران می‌نمایند. از طرف دیگر، مطالعات مختلفی نشان می‌دهد که بسیاری از اعضای طبقات مرفه جامعه دزدی می‌کنند، مواد مخدر مصرف می‌کنند و مرتکب جرائم دیگر می‌شوند (۲۸: ۲۲۴).

### تئوری محرومیت نسبی<sup>۱</sup>

جرم‌شناسان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف هم تولید فشار می‌نماید و هم باعث افزایش میزان جرم در آن‌ها می‌شود. به خاطر این که شکاف عمده بین فقیر و غنی کینه‌توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود، جوامعی که در آن‌ها نابرابری درآمد افزایش یافته است یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد می‌گردد. روان‌شناسان یادآوری کرده‌اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند حسادت خواهند ورزید. چنان چه آن‌ها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره‌آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کمتری برای موفقیت‌های آینده خواهند داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. این فرآیند تحت عنوان تئوری محرومیت نسبی بیان گردیده است. مفهوم محرومیت نسبی توسط جامعه‌شناسان جودیس بلاو<sup>۲</sup> و پیتر بلاو مطرح شده است که مفاهیمی را از تئوری آنومی با آن‌هایی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. بر طبق نظر آن‌ها، افراد طبقات پائین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آن‌ها پرورش می‌دهد. در نتیجه شانس پیشرفت

<sup>۱</sup>. Relative Deprivation theory

<sup>۲</sup>. Judith Blau

آن‌ها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت (۲۸: ۲۰۴).

### نظریه آنومی مرتون

رابرت مرتون<sup>۱</sup> دامنه مفهوم آنومی دورکیم را در سال ۱۹۳۸ به نقش «فرهنگ و ساختار اجتماعی» محدود کرد و تفاوت‌های فردی را به طور کامل نادیده گرفت. از این دیدگاه، علت جرم، درون افراد که اشتباهی سیری‌ناپذیرشان باید با کنترل‌های قوی هنجاری محافظت شود وجود ندارد؛ بلکه در تناقضات ساختار اجتماعی و فرهنگی است. مرتون استدلال کرد، ناتوانی در به دست آوردن منابع مشروع، تولید ناکامی (فشار) می‌کند و گاهی اوقات منجر به تلاش برای به دست آوردن آن‌ها از راه مشروع می‌شود در میان عناصر گوناگون ساختار اجتماعی و فرهنگی، دو مورد از اهمیت بیشتری برخوردارند. این دو عنصر در تحلیل‌ها تفکیک‌پذیرند، اما در وضعیت‌های عینی با یکدیگر آمیخته‌اند (۱۰: ۴۳۸-۴۳۱).

### نظریه توازن - کنترل<sup>۲</sup>

نظریه توازن - کنترل چارلز تیتل<sup>۳</sup> بسط مفهوم کنترل شخصی (به منزله عنصر مستعدکننده مجرمیت) است. به نظر تیتل، مفهوم کنترل دو عنصر مجزا و متمایز از هم دارد: میزان کنترلی که دیگران بر فرد دارند و میزان کنترلی که فرد بر دیگران دارد. هم‌نوایی زمانی حاصل می‌شود که این دو عنصر در حالت توازن و تعادل باشند. عدم تعادل کنترلی، انحراف و رفتارهای انحرافی را موجب می‌شود. تیتل کنترل را به منزله متغیری پیوسته از فقدان یا کمبود کنترل (زمانی که آرزوها و انگیزه‌های فرد را توانایی دیگران برای نظم و مجازات رفتار، محدود می‌کند) تا کنترل مازاد (زمانی که میزان کنترلی که فرد می‌تواند بر دیگران داشته باشد، فراتر از توانایی دیگران برای کنترل یا اصلاح رفتار فرد است) در نظر می‌گیرد. نداشتن توازن - کنترل، نشان دهنده دارا بودن استعداد برای ارتکاب جرم و انحراف است. نداشتن کنترل یا کنترل افراطی وقتی با محرک‌های وضعیتی همراه شود به رفتار ضد اجتماعی فرد تبدیل می‌شود. انگیزه‌های انحرافی زمانی به وجود می‌آید که شخصی که از عدم توازن - کنترل عذاب می‌بیند اعتقاد پیدا کند که پرداختن به برخی اعمال ضد اجتماعی میزان کنترل او را به شیوه مطلوبی تغییر خواهد داد. تیتل معتقد است که این دیدگاه اساساً تلفیقی است، چرا که مفاهیم اجتماعی یا بیرونی (نظیر فرصت و فشار) را با متغیرهای فردی یا درونی (مثل میزان کنترل) ترکیب می‌کند (۲۸: ۲۹۹).

<sup>۱</sup>. Robert Merton

<sup>۲</sup>. Control-Balance Theory

<sup>۳</sup>. Charles Title

### نظریه جامعه‌پذیری<sup>۱</sup>

مفهوم اجتماعی شدن بازگو کننده تمامی تجربیاتی است که از طریق آن اعضای جوان جامعه، فرهنگ جامعه خویش را می‌آموزند. از نظر گی‌روشه سه نظام اجتماعی، فرهنگی و روانی در تمامی کنش اجتماعی انسان مشترک‌اند و این سه نظام را فقط به طور تحلیلی می‌توان از هم جدا کرد. بین این سه نظام، نوعی نفوذ متقابل واقعی وجود دارد که عامل اجتماعی شدن افراد است. در روند اجتماعی شدن، ابتدا «فرهنگ» (معارف، مدل‌ها، ارزش‌ها و نمادها) اخذ می‌شود. پس از اخذ فرهنگ، دومین مرحله اجتماعی شدن به یگانگی فرهنگ یا شخصیت، اختصاص دارد، به گونه‌ای که به اصول اخلاقی، قواعد آگاهی و شیوه‌های عمل بهنجار تبدیل می‌شود. سومین وجه اجتماعی شدن عبارت است از تطابق شخص با محیط اجتماعی به گونه‌ای که فرد، خود را متعلق به محیط احساس می‌کند. این تعلق به شکل‌های سه‌گانه روانی، عاطفی و فکری بروز می‌کند. از نظر روانی، شخص اجتماعی شده در قالب فرهنگ و جامعه به احتیاج‌های فیزیولوژیک پاسخ می‌دهد و سلیقه و رفتارهای بدنی‌اش رشد می‌کند. (کیفیت و نوع غذا خوردن در هر جامعه‌ای) در سطح عاطفی، احساسات از سوی محدودیت‌ها و مجازات‌های فرهنگی، کنترل شود (خشونت یا ملایمت در نحوه بیان یا تعریف از ازدواج بر پایه عشق به شکل رمانتیک در مقابل ازدواج مصلحتی). بالاخره اجتماعی شدن در سطح تفکر انسان، مقولات فکری، تصاویر درونی، تصورات، دانش‌ها، پیشداوری‌ها، قالب‌های ذهنی و شیوه‌های تفکری را فراهم می‌آورد که بدون آن‌ها هوش، حافظه و تخیل نمی‌توانند شکوفا شوند و حاصلی به بار آورند. در نهایت «گی‌روشه» نتیجه می‌گیرد کنش هنجاری اجتماعی اکنون به نظر ما نتیجه تنش‌های متعددی به نظر می‌رسد که بین هم‌نوایی، آزادی و نوآوری، بین انگیزه‌ها و آرمان‌ها، بین احتیاجات شخصیت فردی و احتیاجات محیط اجتماعی و بین اجبار اجتماعی و تمایلات شخصی وجود دارد (۲۰: ۱۹۱-۱۴۵).

### نظریه سرمایه اجتماعی

پاتنام معتقد است منابع سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها معمولاً خود تقویت کننده و خود افزاینده‌اند و این فرایند منجر به تعادل اجتماعی می‌شود که با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه جمعی، همراه است، بر عکس، نبودن این خصایص نیز خود تقویت کننده است. بی‌اعتمادی، فریب، بی‌نظمی و رکود، باعث تشدید و بازتولید یکدیگر می‌شود (۱۹: ۳۰۳). وی با پشتوانه مطالعات زیاد در حوزه سرمایه اجتماعی به اهمیت پیوندهای اجتماعی در ارتباط با رفتارهایی از قبیل کشیدن سیگار و مصرف مشروبات الکلی اشاره می‌کند. رابطه منفی قوی در سطح ایالتی بین نرخ جرایم خشن و شاخص‌های سرمایه‌ای اجتماعی پیدا کرد، با این ادعا که سطوح سرمایه اجتماعی در صورت برابری سایر متغیرها منجر به کاهش سطوح جرم می‌شود. رابطه بین شاخص‌های سرمایه

<sup>۱</sup>. Socialization

اجتماعی و سطح سلامت و بهداشت نیز از جمله مواردی است که پانتم به آن می‌پردازد. وی چهار دلیل برای رابطه بین این دو متغیر ارائه می‌کند: ۱. شبکه‌های اجتماعی می‌توانند کمک‌های مادی مشخصی فراهم کنند که منجر به کاهش استرس می‌شود. ۲. این شبکه‌ها می‌توانند هنجارهای سالم و مفید را تقویت کنند. ۳. شبکه‌ها برای استفاده فرد از خدمات پزشکی به طور مؤثری می‌توانند کارها را پیش ببرند. ۴. تعامل واقعاً به تحریک سیستم ایمنی بدن کمک می‌کند (۵: ۵۷).

### نظریه کنترل نای

یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌های کنترل را نای<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۸ مطرح کرد. نای کجروی را خاص شکست کنترل‌های اجتماعی و فردی می‌داند. برداشت نای از کنترل اجتماعی در بر گیرنده گرایش‌ها، الگوهای رفتاری<sup>۲</sup> و زمینه‌های اجتماعی<sup>۳</sup> است. نای بر خانواده تأکید دارد و می‌گوید: خانواده به چهار طریق سبب تقویت پیوند اجتماعی می‌شود. آن چهار عامل عبارتند از:

۱. کنترل درونی: از طریق جامعه‌پذیری کودک و ایجاد وجدان یعنی درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها اتفاق می‌افتد. برای مثال افراد معتقدند که دزدی از مغازه کار درستی نیست و با اقدام به چنین کاری احساس گناه می‌کنند. افراد سعی می‌کنند از احساسات منفی دوری کنند؛ بنابراین، احتمال کمتری وجود دارد که افرادی که کنترل درونی قوی‌تر دارند، مرتکب بزهکاری شوند.
۲. نظارت غیر مستقیم: اگر والدین رفتارهای بزهکارانه را تأیید نکنند، احتمال آن که فرزندان مرتکب آن رفتارها شوند، کاهش می‌یابد. این اجتناب، بر وابستگی عاطفی فرزندان به والدین استوار است. هر چه وابستگی عاطفی بیشتر باشد، احتمال بزهکاری کمتر است.
۳. نظارت مستقیم: شامل تنبیه و محدودیت مستقیم از جانب خانواده می‌شود. مثل نظارت خانواده در مورد زمانی که فرزند بیرون از منزل می‌گذراند، یا نظارت در انتخاب دوستان و سرگرمی‌ها.
۴. نقش خانواده در ارضای نیازها: خانواده‌هایی که در ارضای نیازهای نوجوانان موفق‌ترند بیشتر می‌توانند فرزندان خود را با جامعه هم‌نوا کنند. هم‌چنین، در خانواده‌هایی که تشنج و اختلاف حاکم است احتمال بزهکاری نوجوانان افزایش می‌یابد. به طور کلی، نای معتقد است که مهم‌ترین منبع کنترل «کنترل غیر مستقیم» است که از روابط خانوادگی ناشی می‌شود (۷: ۱۶۷-۱۶۶).

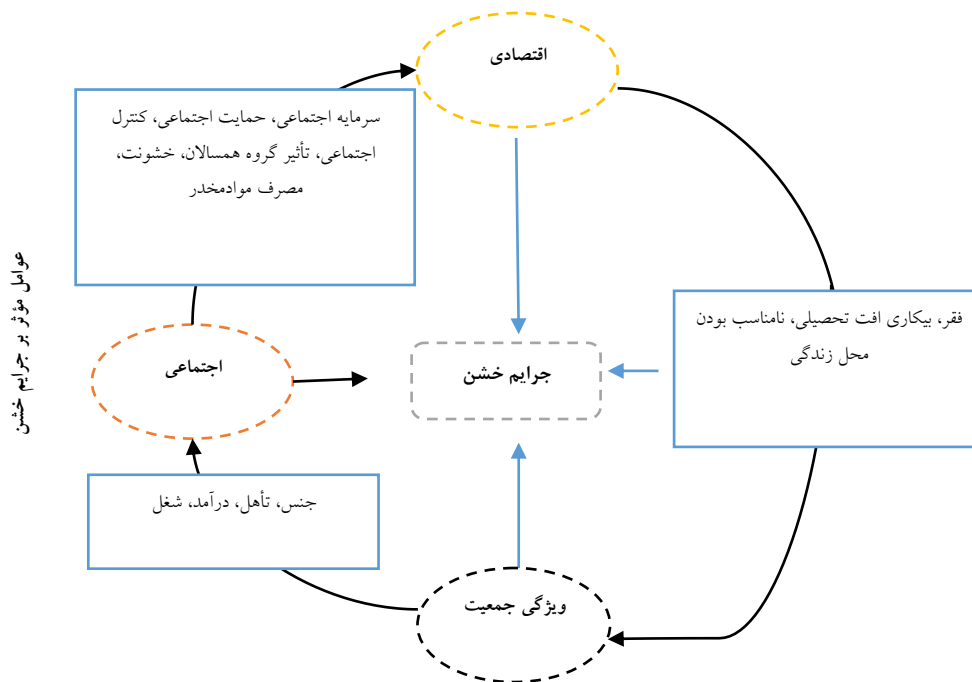
<sup>1</sup>. Nye

<sup>2</sup>. Attitudes

<sup>3</sup>. Behavior

<sup>4</sup>. Social Contexts

## مدل پژوهش



شکل شماره (۱): مدل تحقیق

## روش پژوهش

در این پژوهش روش تحقیق پیمایشی، با توجه به هدف و موضوع پژوهش، کاربردی بوده و از لحاظ زمان مقطعی است و در زمره مطالعات میدانی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش ۱۲۵۶ نفر که شامل افرادی که ارتکاب به جرم (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) در استان کرمان در سال‌های ۱۳۹۸ و ۶ ماه اول ۱۳۹۹ را داشته‌اند بوده است. روش نمونه‌گیری اتخاذ شده در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی بوده است، ۴۰۰ نفر از افراد مجرم مورد بررسی قرار گرفتند. روایی (اعتبار) سؤال‌های مربوط به متغیرها از روش تعیین اعتبار محتوایی و با گردآوری نظرات اساتید مجرب، کارشناسان و متخصصان مربوطه (تکنیک اعتبار صوری) و برای بررسی پایایی، از آلفای کرونباخ استفاده شده که آلفای پرسشنامه ۰/۸۳۲ محاسبه و مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها توسط آمار توصیفی و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون - رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



جدول شماره (۱): مقداری آلفای کرونباخ متغیرها

متغیر	آلفای کرونباخ	متغیر	آلفای کرونباخ
نامناسب بودن محل زندگی	۰/۸۷	کنترل اجتماعی	۰/۷۶
فقر	۰/۸۵	پای‌بندی مذهبی	۰/۷۱
خشونت	۰/۷۸	سرمایه اجتماعی	۰/۸۵
مصرف موادمخدر	۰/۷۹	افت تحصیلی	۰/۸۳
بیکاری	۰/۸۹	گروه همسالان	۰/۸۴

## یافته‌های پژوهش

جدول شماره (۲): یافته‌های توصیفی پژوهش

متغیرهای زمینه‌ای	شاخص	ویژگی‌ها		متغیرهای زمینه‌ای	شاخص	ویژگی‌ها	
		درصد	فراوانی			درصد	فراوانی
جنس	مرد	۹/۳	۳۷	درآمد ماهیانه خانواده	کمتر از ۵۰۰ هزار تومان	۵۳/۰	۲۱۲
	زن	۹۰/۷	۳۶۳		یک تا یک میلیون تومان	۲۹/۰	۱۱۶
تاهل	مجرد	۲۲/۵	۹۰	نوع جرم	یک میلیون تا دو میلیون تومان	۱۱/۰	۴۴
	متاهل	۵۴/۸	۲۱۹		دو میلیون تا سه میلیون تومان	۵/۵	۲۲
	مطلقه	۱۶/۵	۶۶		بیشتر از سه میلیون تومان	۱/۵	۶
	فوت همسر	۶/۲	۲۵		قتل	۱۱/۳	۴۵
وضعیت اشتغال	بیکار	۷۵/۵	۳۰۲	گروگان‌گیری (آدم‌ربایی)	سرقت مسلحانه	۲۲/۲	۸۹
	شاغل	۲۴/۵	۹۸		تیراندازی	۴۱/۳	۱۶۵
						۲۵/۲	۱۰۱

در این قسمت مقادیر شاخص‌های توصیفی متغیرهای مطالعه در جدول (۳) آورده شده است.

جدول شماره (۳): مقادیر شاخص‌های توصیفی در خصوص متغیرهای تحقیق (n=۴۰۰)

متغیر	ابعاد	مد	میانه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی	کمینه	بیشینه
عوامل اقتصادی	فقر	۴/۰	۳/۶	۳/۴۲	۰/۵۷	-۰/۹۹۲	۰/۶۹۷	۱/۰	۴/۰
	بیکاری	۳/۰	۳/۰	۲/۹۰	۰/۶۴	-۰/۶۴۷	۰/۱۸۲	۱/۰	۴/۰
	نامناسب بودن محل زندگی	۳/۰	۳/۰	۲/۹۵	۰/۵۴	-۰/۶۲۹	۰/۳۴۸	۱/۳	۴/۰
	افت تحصیلی	۲/۷	۳/۰	۲/۹۲	۰/۵۸	-۰/۴۵۴	-۰/۱۵۶	۱/۱	۴/۰
	سرمایه اجتماعی	۴/۰	۴/۰	۳/۸۲	۰/۷۲	-۰/۵۵۶	-۰/۲۵۵	۱/۷	۵/۰
عوامل اجتماعی	گروه همسالان	۴/۰	۴/۲	۴/۰۱	۰/۷۴	-۰/۸۴۸	۰/۴۱۳	۱/۵	۵/۰
	خشونت	۴/۰	۳/۷	۳/۶۳	۰/۸۲	-۰/۸۰۰	۰/۵۸۳	۱/۰	۵/۰
	پای‌بندی مذهبی	۴/۰	۴/۰	۳/۸۰	۰/۷۱	-۰/۴۵۵	-۰/۴۰۸	۱/۷	۵/۰
	مصرف موادمخدر	۴/۴	۳/۹	۳/۷۲	۰/۶۶	-۰/۴۳۶	۰/۲۱۸	۱/۰	۵/۰
	کنترل اجتماعی	۴/۰	۴/۰	۳/۸۳	۰/۶۶	-۰/۲۳۱	-۰/۷۱۷	۲/۰	۵/۰
جرایم خشن	کل	۴/۶	۳/۹	۳/۸۵	۰/۶۵	-۰/۵۳۱	-۰/۰۳۵	۱/۶	۵/۰

میانگین و انحراف معیار برای متغیر فقر به ترتیب برابر  $۳/۴۲$  و  $۰/۵۷$ ، برای متغیر بیکاری به ترتیب برابر  $۲/۹۰$  و  $۰/۶۴$ ، برای متغیر جرایم خشن به ترتیب برابر  $۲/۹۵$  و  $۰/۵۴$  و برای متغیر افت تحصیلی به ترتیب برابر  $۲/۹۲$  و  $۰/۵۸$  محاسبه شد. میانگین و انحراف معیار برای متغیر سرمایه اجتماعی به ترتیب برابر  $۳/۸۲$  و  $۰/۷۲$ ، برای متغیر گروه همسالان به ترتیب برابر  $۴/۰۱$  و  $۰/۷۴$ ، برای متغیر خشونت برابر  $۳/۶۳$  و  $۰/۸۲$ ، برای متغیر پای‌بندی مذهبی به ترتیب برابر  $۳/۸۰$  و  $۰/۷۱$ ، برای متغیر مصرف مواد مخدر به ترتیب برابر  $۳/۷۲$  و  $۰/۶۶$  و برای متغیر کنترل اجتماعی به ترتیب برابر  $۳/۸۳$  و  $۰/۶۶$ ، محاسبه شد. میانگین و انحراف معیار برای متغیر جرایم خشن به ترتیب برابر  $۳/۸۵$  و  $۰/۶۵$  محاسبه شد. از طرفی با توجه به این که مقادیر چولگی و کشیدگی در بازه (۲، -۲) قرار دارند؛ پس داده‌ها از توزیع نرمال دور نیست.

- به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) مجرمان محکوم شده در دادگاه‌های استان کرمان رابطه معناداری وجود دارد.

برای بررسی رابطه فوق از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج برازش مدل نشان داده شده است. در این مدل مستطیل‌ها نشان دهنده متغیرهای مشاهده شده، بیضی‌ها نشان دهنده متغیرهای پنهان هستند. ضرایب نشان داده شده در دیاگرام، ضرایب مسیر هستند. ضرایب بین متغیرهای مشاهده شده با متغیر پنهان وابسته بارهای عاملی استاندارد هستند و ضرایب بین متغیرهای پنهان ضرایب رگرسیون هستند. بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش، مدل برازش داده شده از مناسبت برخوردار است. مقدار RMSEA مدل برابر  $۰/۰۸۷$  است که نشان دهنده برازش خوب مدل است. مجذور همبستگی (مجذور بار عاملی استاندارد شده) به صورت زیر تفسیر می‌شود: به عنوان مثال در سازه فقر، مجذور همبستگی این سازه برای سؤال اول برابر است با  $۰/۴۰۲$  ( $۰/۶۳۴ \times ۰/۶۳۴ = ۰/۴۰۲$ ) به این معنی است که  $۴۰/۲$  درصد تغییرات سؤال اول، توسط این سازه توضیح داده می‌شود.

بر اساس جدول و ضرایب مسیر، بین فقر و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ ) و ضریب مسیر با  $۰/۱۱۸$  هم‌چنین بین بیکاری و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ ) و ضریب مسیر برابر با  $۰/۲۹۰$ . به علاوه بین نامناسب بودن محل زندگی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ ) و ضریب مسیر برابر با  $۰/۳۱۱$ . در نهایت بین افت تحصیلی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < ۰/۰۵$ ) و ضریب مسیر با  $۰/۳۲۸$ .

جدول شماره (۴): شاخص‌های برازش برای مدل

شاخص	درجه آزادی / گای دو	RMSEA <sup>۱</sup>	GFI <sup>۲</sup>	AGFI <sup>۳</sup>	CFI <sup>۴</sup>	NFI <sup>۵</sup>	IFI <sup>۶</sup>
مقدار محاسبه شده	۴/۲۰۲	۰/۰۹۶	۰/۹۷۶	۰/۸۶۴	۰/۹۵۷	۰/۹۴۳	۰/۹۶۰
سطح قابل قبول	< ۵	< ۰/۱	> ۰/۹۰	> ۰/۸۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰
نتیجه	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب

جدول شماره (۵): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه فتر

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده (R <sup>2</sup> )	t مقدار	p-value
فتر (R3)	سؤال ۱	۰/۶۳۴	۰/۴۰۲	۸/۸۲۵	< ۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۵۹۶	۰/۳۵۵	۸/۴۶۰	< ۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۴۰۳	۰/۱۶۲	۶/۲۵۶	< ۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۴۵۳	۰/۲۰۵	۶/۸۷۹	< ۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۵۷۶	۰/۳۳۲	۸/۲۶۲	< ۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۶۵۰	۰/۴۲۲	۸/۹۶۵	< ۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۶۱۷	۰/۳۸۱	۸/۶۶۳	< ۰/۰۵
	سؤال ۸	۰/۴۸۸	۰/۲۳۸	۷/۲۹۳	< ۰/۰۵
	سؤال ۹	۰/۶۱۳	۰/۳۷۶	۸/۶۲۳	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۰	۰/۵۷۶	۰/۳۳۲	Fixed	

جدول شماره (۶): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه بیکاری

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده (R <sup>2</sup> )	t مقدار	p-value
بیکاری (R1)	سؤال ۱	۰/۴۴۱	۰/۱۹۴	۶/۸۶۳	< ۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۵۶۶	۰/۳۲۰	۸/۴۹۱	< ۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۵۷۴	۰/۳۲۹	۸/۵۸۸	< ۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۶۹۱	۰/۴۷۷	۹/۸۱۹	< ۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۵۹۹	۰/۳۵۹	۸/۸۸۹	< ۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۶۷۰	۰/۴۴۹	Fixed	

۱. جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (Root-mean-square error of approximation)

۲. شاخص نیکویی برازش (Goodness-of-fit index)

۳. شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (Adjusted goodness-of-fit index)

۴. شاخص برازندگی تطبیقی (Comparative fit index)

۵. شاخص برازندگی هنجار شده (Normed fit index)

۶. شاخص برازندگی افزایشی (Incremental fit index)

جدول شماره (۷): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه نامناسب بودن محل زندگی

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
نامناسب بودن محل زندگی ( $R^2$ )	سؤال ۱	۰/۵۲۹	۰/۲۸۰	۶/۳۰۱	<۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۷۲۷	۰/۵۲۸	۸/۲۸۲	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۸۰۷	۰/۶۵۱	۸/۲۳۵	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۲۹۶	۰/۰۸۸	۴/۵۱۰	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۱۳۰	۰/۰۴۳	۲/۱۰۰	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۲۰۹	Fixed		

جدول شماره (۸): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه افت تحصیلی

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
افت تحصیلی ( $R^4$ )	سؤال ۱	۰/۵۹۴	۰/۳۵۳	۷/۵۱۴	<۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۶۲۴	۰/۳۸۹	۷/۷۲۲	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۶۶۲	۰/۳۸۷	۷/۹۵۵	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۶۰۶	۰/۳۶۷	۷/۵۹۷	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۵۶۹	۰/۳۲۴	۷/۳۲۳	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۵۱۹	۰/۲۶۹	۶/۹۲۴	<۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۵۱۷	Fixed		

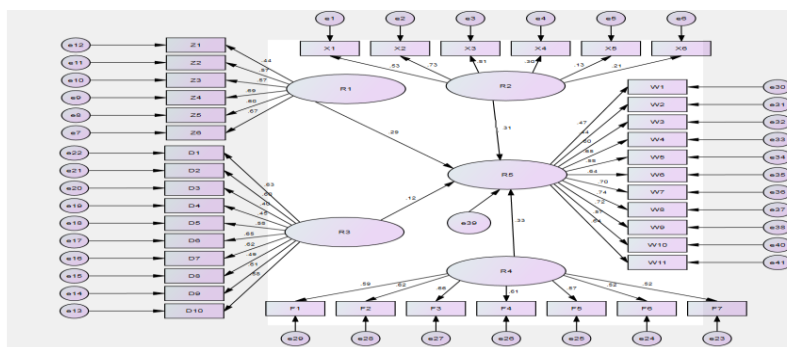
جدول شماره (۹): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه احساس جرایم خشن

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
جرایم خشن ( $R^5$ )	سؤال ۱	۰/۴۶۵	۰/۲۱۶	Fixed	
	سؤال ۲	۰/۴۴۰	۰/۱۹۴	۶/۲۳۲	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۵۹۸	۰/۳۵۸	۷/۴۶۱	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۶۵۴	۰/۴۲۸	۷/۷۸۸	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۵۷۹	۰/۳۳۵	۷/۳۳۸	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۶۳۵	۰/۴۰۳	۷/۶۸۴	<۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۷۰۴	۰/۴۹۶	۸/۰۴۹	<۰/۰۵
	سؤال ۸	۰/۷۴۰	۰/۵۴۸	۸/۲۱۴	<۰/۰۵
	سؤال ۹	۰/۷۲۴	۰/۵۲۴	۸/۱۴۲	<۰/۰۵
	سؤال ۱۰	۰/۵۶۷	۰/۳۲۱	۷/۲۵۳	<۰/۰۵
	سؤال ۱۱	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۷/۷۳۹	<۰/۰۵

جدول شماره (۱۰): ضرایب مسیر و معنی‌داری آن‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش در مدل مسیر اصلی

رابطه مورد بررسی	ضریب مسیر	آماره $t$	وجود ارتباط	نوع ارتباط
فقر ← جرایم خشن	۰/۱۱۸	۲/۰۲۸	دارد	مستقیم
بیکاری ← جرایم خشن	۰/۲۹۰	۴/۲۲۰	دارد	مستقیم
نامناسب بودن محل زندگی ← جرایم خشن	۰/۳۱۱	۴/۲۳۶	دارد	مستقیم
افت تحصیلی ← جرایم خشن	۰/۳۲۸	۴/۳۸۱	دارد	مستقیم

\* مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ معنی‌دار در سطح ۰/۰۵



شکل شماره (۲): مقادیر ضرایب استاندارد شده حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای بررسی مدل مفهومی

- بین عوامل اجتماعی و جرایم خشن رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه فوق از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در این مدل مستطیل‌ها نشان دهنده متغیرهای مشاهده شده، بیضی‌ها نشان دهنده متغیرهای پنهان هستند. ضرایب نشان داده شده در دیاگرام، ضرایب مسیر هستند. ضرایب بین متغیرهای مشاهده شده با متغیر پنهان وابسته بارهای عاملی استاندارد هستند و ضرایب بین متغیرهای پنهان ضرایب رگرسیون هستند. بر اساس شاخص‌های نیکویی برازش، مدل برازش داده شده از مناسبت برخوردار است. مقدار RMSEA مدل برابر ۰/۰۸۷ است که نشان دهنده برازش خوب مدل است. مجذور همبستگی (مجذور بار عاملی استاندارد شده) به صورت زیر تفسیر می‌شود: به عنوان مثال در سازه سرمایه اجتماعی، مجذور همبستگی این سازه برای سؤال اول برابر است با ۰/۴۹۳ (۰/۴۹۳ = ۰/۷۰۲ × ۰/۷۰۲) به این معنی است که ۴۹/۳ درصد تغییرات سؤال اول، توسط این سازه توضیح داده می‌شود. بر اساس جدول و ضرایب مسیر، بین سرمایه اجتماعی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۵ < p و ضریب مسیر برابر با ۰/۲۴۴). بین گروه همسالان و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۵ < p و ضریب مسیر برابر با ۰/۱۳۷). بین خشونت و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۵ < p و ضریب مسیر برابر با ۰/۳۳۳). بین پای‌بندی مذهبی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه معنی‌داری وجود ندارد (P > ۰/۰۵). بین مصرف مواد مخدر و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۵ < p و ضریب مسیر برابر با ۰/۷۳۲). در نهایت بین کنترل اجتماعی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد (۰/۰۵ < p و ضریب مسیر برابر با -۰/۱۰۹).

جدول شماره (۱۱): شاخص‌های برازش برای مدل

شاخص	درجه آزادی / کای دو	RMSEA	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI
مقدار محاسبه شده	۲/۹۱۳	۰/۰۸۸	۰/۹۵۵	۰/۸۵۲	۰/۹۵۶	۰/۹۸۵	۰/۹۶۸
سطح قابل قبول	< ۵	< ۰/۱	> ۰/۹۰	> ۰/۸۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰
نتیجه	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب

جدول شماره (۱۲): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه سرمایه اجتماعی

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده (R <sup>2</sup> )	t مقدار	p-value
سرمایه اجتماعی (R1)	سؤال ۱	۰/۷۰۲	۰/۴۹۳	۱۱/۳۸۰	< ۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۷۴۶	۰/۵۵۶	۱۲/۲۲۷	< ۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۶۴۷	۰/۴۱۹	۱۰/۳۴۵	< ۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۷۷۶	۰/۶۰۲	۱۲/۸۰۳	< ۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۸۰۱	۰/۶۴۲	۱۳/۲۹۹	< ۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۷۷۶	۰/۶۰۲	۱۱/۹۹۰	< ۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۷۸۱	۰/۶۱۰	۱۲/۹۱۶	< ۰/۰۵
	سؤال ۸	۰/۷۳۴	۰/۵۳۹	Fixed	

جدول شماره (۱۳): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه گروه همسالان

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده (R <sup>2</sup> )	t مقدار	p-value
گروه همسالان (R3)	سؤال ۹	۰/۶۹۸	۰/۴۸۷	۸/۹۹۷	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۰	۰/۸۰۶	۰/۶۵۰	۱۱/۳۰۱	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۱	۰/۷۷۴	۰/۵۹۹	۱۰/۹۱۸	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۲	۰/۸۴۷	۰/۷۱۷	۱۱/۷۳۷	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۳	۰/۶۲۸	۰/۳۹۴	Fixed	

جدول شماره (۱۴): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به خشونت

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده (R <sup>2</sup> )	t مقدار	p-value
خشونت (R4)	سؤال ۱۴	۰/۶۴۰	۰/۴۱۰	۹/۸۸۷	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۵	۰/۶۶۴	۰/۴۴۱	۹/۱۹۷	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۶	۰/۵۵۳	۰/۳۰۶	۷/۸۶۹	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۷	۰/۴۶۰	۰/۲۱۲	۶/۶۷۴	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۸	۰/۷۶۷	۰/۵۸۸	۱۰/۳۴۵	< ۰/۰۵
	سؤال ۱۹	۰/۷۹۹	۰/۶۳۸	۱۰/۶۸۲	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۰	۰/۸۱۱	۰/۶۵۸	۱۰/۸۰۰	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۱	۰/۷۴۳	۰/۵۵۲	۱۰/۰۹۰	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۲	۰/۸۰۰	۰/۶۴۰	۱۰/۶۹۱	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۳	۰/۷۸۴	۰/۶۱۵	۱۰/۵۲۷	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۴	۰/۷۱۹	۰/۵۱۷	۹/۸۲۵	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۵	۰/۷۱۸	۰/۵۱۵	۹/۸۰۸	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۶	۰/۵۸۵	۰/۳۴۲	۸/۲۶۴	< ۰/۰۵
	سؤال ۲۷	۰/۷۲۵	۰/۵۲۶	Fixed	

جدول شماره (۱۵): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه پای‌بندی مذهبی

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
پای‌بندی مذهبی (R2)	سؤال ۱	۰/۴۷۴	۰/۲۲۵	۵/۹۱۶	<۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۳۶۰	۰/۱۳۰	۴/۵۵۰	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۵۱۲	۰/۳۶۲	۵/۷۷۴	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۷۴۴	۰/۵۵۳	۶/۹۶۹	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۷۸۶	۰/۶۱۸	۷/۱۱۳	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۷۹۲	۰/۶۲۷	۷/۱۳۱	<۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۷۳۰	۰/۵۳۳	Fixed	

جدول شماره (۱۶): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه مصرف موادمخدر

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
مصرف موادمخدر (R6)	سؤال ۱	۰/۳۸۱	۰/۱۴۵	۳/۸۸۷	<۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۴۴۰	۰/۱۹۴	۴/۷۰۷	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۶۹۸	۰/۴۸۷	۶/۵۹۵	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۵۶۸	۰/۳۲۳	۵/۲۷۷	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۳۶۴	۰/۱۳۲	۴/۲۳۰	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۶۵۹	۰/۴۳۴	۵/۵۶۲	<۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۶۶۹	۰/۴۴۸	۵/۵۸۶	<۰/۰۵
	سؤال ۸	۰/۶۹۰	۰/۴۷۶	۵/۶۴۰	<۰/۰۵
	سؤال ۹	۰/۷۶۱	۰/۵۷۹	۵/۷۹۵	<۰/۰۵
	سؤال ۱۰	۰/۸۰۵	۰/۶۴۸	۵/۸۷۹	<۰/۰۵
	سؤال ۱۱	۰/۷۵۸	۰/۵۷۴	Fixed	

جدول شماره (۱۷): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه کنترل اجتماعی

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
کنترل اجتماعی (R7)	سؤال ۱	۰/۵۰۷	۰/۲۵۷	۷/۲۷۰	<۰/۰۵
	سؤال ۲	۰/۶۳۶	۰/۴۰۴	۶/۷۶۳	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۶۸۹	۰/۴۷۵	۷/۰۴۹	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۵۸۳	۰/۳۴۰	۶/۴۴۱	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۶۰۷	۰/۳۶۸	۶/۵۹۳	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۷۲۷	۰/۵۲۸	۷/۲۲۸	<۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۷۳۷	۰/۵۴۳	Fixed	

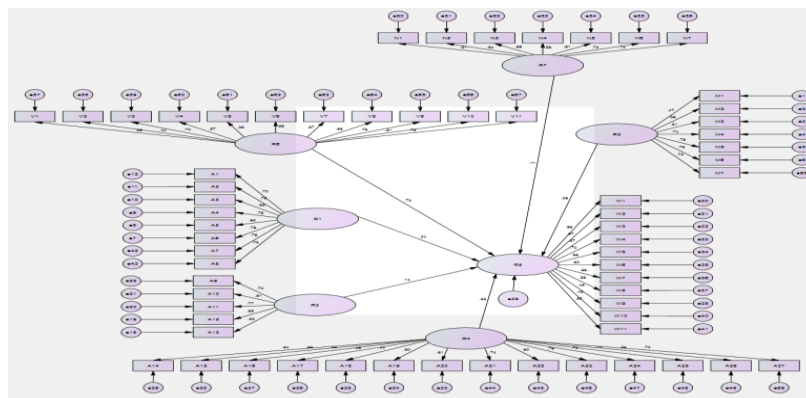
جدول شماره (۱۸): بار عاملی استاندارد، مجذور همبستگی و مقادیر t سؤال‌های مربوط به سازه جرایم خشن

سازه	مؤلفه	بار عاملی استاندارد شده	واریانس تبیین شده ( $R^2$ )	t مقدار	p-value
جرایم خشن (R5)	سؤال ۱	۰/۴۶۵	۰/۲۱۶	Fixed	
	سؤال ۲	۰/۴۴۰	۰/۱۹۴	۶/۲۳۲	<۰/۰۵
	سؤال ۳	۰/۵۹۸	۰/۳۵۸	۷/۴۶۱	<۰/۰۵
	سؤال ۴	۰/۶۵۴	۰/۴۲۸	۷/۷۸۸	<۰/۰۵
	سؤال ۵	۰/۵۷۹	۰/۳۳۵	۷/۳۳۸	<۰/۰۵
	سؤال ۶	۰/۶۳۵	۰/۴۰۳	۷/۶۸۴	<۰/۰۵
	سؤال ۷	۰/۷۰۴	۰/۴۹۶	۸/۰۴۹	<۰/۰۵
	سؤال ۸	۰/۷۴۰	۰/۵۴۸	۸/۲۱۴	<۰/۰۵
	سؤال ۹	۰/۷۲۴	۰/۵۲۴	۸/۱۴۲	<۰/۰۵
	سؤال ۱۰	۰/۵۶۷	۰/۳۲۱	۷/۲۵۳	<۰/۰۵
	سؤال ۱۱	۰/۶۴۵	۰/۴۱۶	۷/۷۳۹	<۰/۰۵

جدول شماره (۱۹): ضرایب مسیر و معنی‌داری آن‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش در مدل مسیر اصلی

رابطه مورد بررسی	ضریب مسیر	آماره $t^*$	وجود ارتباط	نوع ارتباط
سرمایه اجتماعی ← جرایم خشن	۰/۲۴۴	۴/۵۸۱	دارد	مستقیم
گروه همسالان ← جرایم خشن	۰/۱۳۷	۲/۷۲۸	دارد	مستقیم
خشونت ← جرایم خشن	۰/۳۳۳	۵/۴۸۶	دارد	مستقیم
پابندی مذهبی ← جرایم خشن	۰/۰۸۷	۱/۷۴۱	ندارد	-
مصرف مواد مخدر ← جرایم خشن	۰/۷۳۲	۵/۱۲۵	دارد	مستقیم
کنترل اجتماعی ← جرایم خشن	-۰/۱۰۹	-۲/۱۲۱	دارد	معکوس

\* مقادیر بزرگ‌تر از ۱/۹۶ معنی‌دار در سطح ۰/۰۵



شکل شماره (۳): مقادیر ضرایب استاندارد شده حاصل از مدل‌سازی معادلات ساختاری برای بررسی مدل مفهومی



### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی گرایش به جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) در بین مجرمان محکوم شده در دادگاه‌های استان کرمان صورت گرفته است. با توجه به نتایج پژوهش بین فقر و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر با  $0/118$ ، هم‌چنین بین بیکاری و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر برابر با  $0/290$ ، به علاوه بین نامناسب بودن محل زندگی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر برابر با  $0/311$ ، در نهایت بین افت تحصیلی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر با  $0/328$ ، بین سرمایه اجتماعی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر برابر با  $0/244$ ، بین گروه همسالان و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر برابر با  $0/137$ ، بین خشونت و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر برابر با  $0/333$ ، بین پای‌بندی مذهبی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه معنی‌داری وجود ندارد ( $P > 0/05$ )، بین مصرف مواد مخدر و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر برابر با  $0/732$ ، در نهایت بین کنترل اجتماعی و جرایم خشن (گروگانگیری، قتل و سرقت مسلحانه، تیراندازی) رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0/05$ ) و ضریب مسیر با  $0/109$ ، مطالعات پیشین عبدالرحمانی (۱۳۹۸)، علیزاده (۱۳۹۷)، میرزایی (۱۳۹۷)، ابراهیمی (۱۳۹۴)، یزدان‌پناه (۱۳۹۰)، علمی (۱۳۸۷)، در ابعاد متغیرهای حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی و گروه همسالان با نتایج پژوهش ما همسو می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان چنین گفت که کجرفتاری آموختنی است، نه ارثی؛ کجرفتاری ضمن کنش متقابل با اشخاص دیگر در فرایندی ارتباطی آموخته می‌شود، این ارتباط شامل حرکات و کنش متقابل زبانی است؛ بخش اصلی یادگیری کجرفتاری درون گروه‌های شخصی صمیمی اتفاق می‌افتد. یادگیری شامل: الف) تکنیک‌های ارتکاب جرم؛ و ب) جهت‌گیری خاص انگیزشی، سائق‌ها، نگرش‌ها و توجیه‌سازی است؛ جهت خاص انگیزه‌ها و نگرش‌ها از طریق تعاریف موافق و مخالف اصول قانونی شکل می‌گیرد. یک شخص بدین دلیل بزهکار می‌شود که فراوانی تعاریف موافق نقض قانون در او بیشتر از فراوانی تعاریف مخالف نقض قانون است. افراد هنگامی کجروی می‌کنند که با الگوهای کجرفتاری تماس پیدا می‌کنند و از الگوی بهنجار جدا می‌مانند؛ در گروه همسالان میزان معاشرت فرد با افراد

کجرفتار در مقایسه با معاشرت با افراد بهنجار، اهمیت دارد، به طوری که معاشرت بیشتر با منحرفان، احتمال منحرف شدن را افزایش می‌دهد. مدت زمان معاشرت بسیار مهم است. ارجحیت از این نظر اهمیت دارد که اگر رفتار موافق رعایت قانون در کودکی آموخته شود، فرد در وضعیتی متفاوت با کسی قرار دارد که از ابتدا به عدم رعایت قانون تشویق شده است. به عبارتی، تأثیر تماس در کودکی یا دوران بلوغ بیشتر از تأثیر آن در زمان بعد است، ارجحیت و شدت آن نیز به منزلت معاشرت و اهمیت الگوی رفتار و میزان درگیری عاطفی فرد با آن مربوط می‌شود. عامل دیگر شدت تماس با دیگران است، به طوری که شخص در اثر تماس با دوستان یا اعضای منحرف خانواده خود احتمال بیشتری دارد که منحرف شود. فرایند یادگیری رفتار مجرمانه از طریق پیوند با الگوهای مجرمانه یا غیر مجرمانه شامل تمام ساز و کارهایی است که در یادگیری‌های دیگر ضروری است. بر اساس نظریه ساترلند می‌توان گفت: کجروی بیان ارزش‌ها یا نیازهای عمومی است، اما از طریق این نیازها و ارزش‌ها قابل توضیح نیست. چون رفتار غیرکجرو هم بیان همان ارزش‌ها و نیازهاست، در واقع، ارزش‌های عام در هر دو دسته از اعمال انسان (چه قانونی و چه مجرمانه) به نحو کاملاً مشابهی موجود است.

سودمندی هر پژوهش زمانی حاصل می‌گردد که محقق بتواند پیشنهادهایی را در پیشگیری یا حداقل کاهش جرم مورد مطالعه مطرح کند. به همین مناسبت و بر اساس بررسی‌های انجام شده طرق زیر برای پیشگیری و اصلاح مجرمان سرقت‌های مقرون به آزار پیشنهاد می‌گردد:

- خانواده اولین گروهی است که فرد به عضویت آن در می‌آید، مورد محبت قرار می‌گیرد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را می‌آموزد و درونی می‌سازد و تأثیر این گروه کوچک و صمیمی به اندازه‌ای پایدار است که می‌تواند کل فرآیند زندگی فرد را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ به عبارت دیگر هر چه خانواده‌ها در امر ایجاد امنیت عاطفی موفق‌تر باشند، نوجوانان بیشتر مسایل و مشکلات خود را با والدین در میان می‌گذارند و کمتر از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی دچار انحراف می‌شوند. در صورتی که آگاهی‌های لازم در زمینه شرایط ویژه دوران نوجوانی، نیازهای یک نوجوان ایرانی، نحوه صحیح برقراری ارتباط با فرزند تازه بالغ به والدین داده شود، می‌توان ساختار روابط خانواده را اصلاح کرد و گام مؤثری در زمینه پیشگیری از جرایم خشن برداشت.

- انتساب مدیران و مسئولین تحصیل‌کرده و متخصص بومی در استان که با مسائل و مشکلات آشنایی داشته باشند.

- ایجاد زمینه‌های تقویت سرمایه اجتماعی و به ویژه افزایش همبستگی اجتماعی.

- کاهش هر چه بیشتر تفاوت‌ها و تنش‌های اجتماعی در خانواده.

- افزایش و تقویت رفاه اجتماعی در استان کرمان.

- ایجاد شرایط جهت اوقات فراغت جوانان و زمینه‌های انجام تفریحات سالم به ویژه امکانات و تجهیزات ورزشی.

- توجه بیشتر به ارزش‌های فرهنگی و قومی موجود در استان کرمان و تقویت عناصر فرهنگی و دینی مؤثر در کنترل و نظارت بر رفتارهای مجرمانه به ویژه در خصوص جرائم خشن.
- شناسایی و تغییر و اصلاح ارزش‌ها و عناصر اجتماعی.
- تقویت الگوهای فرهنگی به ویژه برای نسل نوجوان و جوان.
- استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و فضای مجازی در اطلاع رسانی و ارائه آموزش در خصوص شگردهای سارقان و راهکارهای پیشگیرانه.
- سیاست‌گذاری صحیح و هدفمند از سوی دستگاه قضایی برای تبدیل زندان‌ها به مکانی برای تعلیم، اصلاح و بازگرداندن مجرمان به آغوش اجتماع برای جلوگیری از تکرار جرم و نظارت دقیق بر نحوه اعطاء مرخصی به مرتکبین چنین جرایمی و اتخاذ راهکارهای کنترلی مناسب برای نظارت هر چه بیشتر بر زندانیان در ایام مرخصی.
- تقویت باورها و ارزش‌های مذهبی و اخلاقی به ویژه در نوجوانان و جوانان.
- افزایش آگاهی و آشنایی مردم به ویژه جوانان در خصوص عواقب فردی، خانوادگی و اجتماعی ارتکاب جرم به‌ویژه جرائم خشن.

### **تشکر و قدردانی**

نویسندگان لازم می‌دانند از کارکنان سازمان زندان شهر کرمان و تمام کسانی که در انجام این مطالعه یاری رسان بودند کمال تشکر و قدردانی را دارند.

### **تعارض منافع**

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Agnew, Robert. (1992). "Foundation for a General Strain Theory of Crime and Delinquency," *Criminology*, vol. 30, Issue 1, P.p: 47-87.
2. Akbari, Amin. (2004). The role of social capital in participation- Investigating the impact of social capital on participation.
3. Alizadeh, Azam. (2018). Investigating the effective factors on committing violent and special crimes among criminals in Sirjan prison.
4. Bottomley, A. K. and K, Pease. (1986). *crime and punishment: inteprting the date Milton Keynes: open university press*, P.p: 5-22.
5. Delavar, Ali. (2001). *Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences*, Roshd Publications.
6. Fild, John. (2003). "social capital". Published by Rout ledge, London, UK.
7. Hagan, John. (1987). *Modern criminology: Crime, Criminal Behavior and its control*, New York: McGraw-Hill, Inc.
8. Kawachi, Ichiro & et al. (1999). "Crime: Social disorganization and relative deprivation", *Social Science and Medicine*, vol. 48.
9. Kepovich & Killian. (2000). "Collective Behaviour", (2nd ed). Englewood Cliffs, NY: Prentice-Hall.
10. Kozer, Louis and Rosenberg, Bernard. (1999). *Fundamental sociological theories*, Tehran, Ney.
11. Krohn, Marvin & et al. (1997). "The interrelationships Between Substance use and precocious transition to Adult sexuality", *Journal of health and social behavior*, vol. 38.
12. Mahdavi Thyat, Mohammad Ali; Konani. (2019). *Correction Criminology, Prisoner Change and Correction Textbook*. Tehran: Sociologists Publications.
13. Miller, Walter. (1985). "Lower class as a Generating Milieu of Gang Delinquency", *Journal of Social Issues*, vol. 14.
14. Mir Mohammad Sadeghi, Hamid. (2013). *Exclusive criminal law 2 crimes against property and ownership, thirty-fifth edition*, Tehran: Mizan Publishing.
15. Mohseni Tabrizi, Alireza and Soleimani, Mehdi. (2010). *Journal of Social Security Studies*, Winter, No. 24.
16. Mohseni, Morteza. (2001). *Responses to Violence, Report of the Committee to Study Violence and Delinquency*, chaired by Alan Perfitt.
17. Nash, Melanie; Anderson. John. (2002). "General strain theory as an Explanation for crime and deviance", *Criminology*, vol. 101.
18. Pantham, Robert. (2008). *Democracy and civil traditions*. Translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: Salam Publishing House.
19. Putnam, Robert. (2011). *Democracy and Civic Traditions*, translated by Mohammad Taghi Delfrooz, Tehran: Salam Newspaper.
20. Roche, Gay. (1997). *Sociology of Talcott Parsons*, translated by Abdolhossein Nikgozar. Tehran. Tebyan Cultural Institute.
21. Rutter, M. and H, Giller. (1983). *Juvenile Delinquency: trnds and perspectives*. Harmondsworth: penguin.
22. Sediq Sarvestani, Rahmatullah. (2009). *Social Pathology Sociology of Deviations*, Tehran: Samat.
23. Sediq Sarvestani, Rahmatullah. (2009). "Why do people misbehave?" *Deviation textbook*.
24. Seddiq Sarvestani, Rahmatullah. (2009). *Social Pathology: Sociology of Social Deviations Second Edition*, Tehran: Publication.

25. Sheikh al-Islami, Abbas; Mahmoud, Sultani Tahereh. (2015). Pathology of violent and dangerous crimes and ways to prevent it in the jurisdictions of the eastern suburbs of Tehran, Judiseh magazine, No. 86.
26. Shikhavandi, Davar. (2007). Sociology of Deviations and Comprehensive Issues of Iran, Tehran: Qatreh Publishing.
27. Siegel, Larry and Joseph, Senna. (2002). Juvenile delinquency, translated by Ali Akbar Taj Mazinani et al. Tehran: National Youth Organization Publications.
28. Siegel, Larry J. (2001). Criminology: Theories, Patterns, and typologies, university of Massachusetts. 7<sup>th</sup> ed.
29. Sigel, Larry J. (2001). Criminology (6th.ed) U.S.A: Wadsworth.
30. Sigel, Larry J. (2012). Criminology, west wads worth publishing company, Eleventh Edition.
31. Statistics Center of Iran. (years 2000 to 2012). Statistical yearbooks of the country.
32. Vold, George & et al. (2002). Theoretical Criminology, New York, Oxford university press, Fifth edition.
33. Weld, George & et al. (2010). Theoretical criminology, translated by Ali Shujaei, Tehran, Samt.
34. Winfree. L. Thomas; Abadinsky, Howard. (2003). Under standing crime: theory and practice, USA. Wadsworth.